

## آفریقا: زمین، جمعیت، غذا\*

مترجم: بلود کریمی

آفریقا بیشتر به صورت منطقه‌ای کم جمعیت با سرزمینهای

بسیار وسیعی که مورد بهره‌برداری قرار نگرفته، توصیف شده است.

این درست که میانگین تراکم جمعیت این قاره، پایین و کمتر از

۱/۵ آسیاست، ولی در برخی از کشورها، جمعیت روبه افزایش

انبوه دارد. فراموش نکنیم که در بیشترین مناطق قاره، روشهای

ابتدایی کشاورزی رواج دارد و نیروی بالقوه تولید مواد غذایی،

محدود است. این یکی از یافته‌های اصلی سازمان خوار و بار و

کشاورزی (FAO) است که به‌تازگی طرح منابع زمینی برای آینده

را به انجام رسانیده است.

هرچند نمی‌توان از همه کشورها انتظار داشت که در تولید مواد غذایی، به خود بسندگی برسند، لیکن کشورهایی که نمی‌توانند به این هدف برسند، باید قادر باشند که جهت وارد کردن مواد غذایی، به اندازه کافی ارزش خارجی را از تولیدات غیرکشاورزی به دست آورند. در غیر این صورت با ادامه وابستگی به کمکهای غذایی دیگران و یا افزایش سوء تغذیه روبه‌رو خواهند بود. هرچند که برای بسیاری از کشورهای آفریقایی، تکیه بر صادرات غیر کشاورزی به عنوان منبعی برای تهیه ارز خارجی، در کوتاه مدت بعید به نظر می‌رسد.

سازمان خوار و بار و کشاورزی، ظرفیت بالقوه تولید مکنی بر جمعیت را - که با توجه به نوع خاک، شرایط آب و هوایی و سطح مهارت در کشاورزی تعیین می‌شود - با توجه به جمعیت کنونی و پیش‌بینی شده بررسی کرد. نتیجه این محاسبات برای کل آفریقا همان نظر قدیمی را تأیید می‌کند که آفریقا با کشاورزی سنتی (یعنی بدون استفاده از کود و سمهای دفع‌کننده آفت‌های نباتی و با همان انواع سنتی بذر و الگوی کاشت و بدون هیچ‌گونه روشی برای حفاظت منابع)، قادر است جمعیتی معادل ۲/۷ برابر جمعیت در سال ۱۹۷۵ را، به خود بسندگی غذایی برساند. اما وقتی نتایج این مطالعه را در مقیاس کشوری بررسی کنیم، تصویر بسیار پیچیده‌تری به دست می‌آید.

\* World Bank. World Development Report 1984. "Africa: how much land, how many people?" P.P. 164-165.

چهارده کشور از جهل کشور جنوب صحرای آفریقا (به جز جیبوتی و جزایر کوچک) زمین کافی که بتواند معیشت جمعیتی معادل جمعیت سال ۱۹۷۵ را تأمین کند، ندارند. این چهارده کشور عبارتند از: بوتسوانا، بروندي، اتیوپی، کنیا، لسوتو، مالاوی، موریتانی، نامیبیا، نیجریه، رواندا، سنگال، سومالی و اوگاندا. این کشورها در مجموع  $\frac{1}{3}$  وسعت زمینهای جنوب صحرای آفریقا و تقریباً  $\frac{1}{4}$  جمعیت آن در ۱۹۸۱ را دارا هستند.

در برخی از مناطق این کشورها (بخشهایی از کنیا، اتیوپی، نیجر، رواندا و بروندي) سطح بالایی از محصول در نواحی مزارکتر به دست می آید و جمعیت بیشتری را تأمین می کند. ولی این کشورها با دو برابر شدن جمعیتشان در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده، با مشکلات فزایندهای روبهرو خواهند شد. کشورهای کوچکتری مثل رواندا و بروندي بویژه با مشکل جدیتری روبهرو هستند.

در این گونه کشورها، فشار جمعیت بشدت روشهای کشت را که بیشتر کارگر بر است، هدف قرار داد. لیکن دور بودن کشورها، شکل زمین و عوارض آن استفاده از تکنولوژی پیشرفته را پرهزینه کرده است و امکان صدور مواد کشاورزی و غیرکشاورزی و ورود مواد غذایی را محدود می سازد. در ضمن دوری سرزمینها از یکدیگر و کمی بارندگی، مشکلات قابل ملاحظه‌ای را برای کشورهای ساحلی مثل نیجر بوجود آورده است.

با وجود این، یازده کشور که بیشتر در آفریقای مرکزی قرار دارند، هنوز هم دارای مناطق وسیعی هستند که همه آنها مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. طبق نظر سازمان کشاورزی و خوار و بار (FAO) سرزمین کنگو و جمهوری مرکزی آفریقا قادر هستند که جمعیتی معادل بیست برابر جمعیت خود در سال ۱۹۷۵ را غذا بدهند. در مورد کشور گابن، این رقم به حدود ۱۰۰ می‌رسد. در مجموع کشورهای جنوب صحرای آفریقا که زمین زیاد دارند رو بهیم در حدود ۳۰٪ مساحت آفریقا را می‌پوشانند در حالی که در سال ۱۹۸۱ فقط  $\frac{1}{5}$  جمعیت آفریقا را تشکیل می‌دادند.

در کشورهای جنوب صحرای آفریقا که با کمبایی زمین مواجه هستند، افزایش جمعیت موجب می‌شود که مردم به کشورهای که زمین فراوان دارند و بویژه به کشورهای همسایه مهاجرت کنند. این مهاجرتها سود متقابلی برای کشورهای مانند ساحل عاج و ولنای علیا داشته است. البته، از طریق مهاجرت بین‌المللی، فرصتها و امکانهایی برای فزادگی به رشد جمعیت وجود دارد، ولی این امکانهها محدود است. حتی زمانی که این نوع مهاجرتها فایده‌های زیادی برای کشورهای مهاجر فرست و مهاجر پذیر داشته باشد، باز عوامل سیاسی و اقتصادی تردیدهایی را در این زمینه برمی‌انگیزد. مثالی در این مورد، اخراج فناییها از نیجریه است که تا ز گپها اتفاق افتاده است.

برعکس مناطقی مثل آسیا که در آن آبیاری و نظام دونوتی کشت (کشت بهاره و پاییزه - م) رواج بیشتری دارد، در سراسر آفریقا روشهای زراعی سنتی مقدار زمین بیشتری را برای هر نفر ایجاب



می‌کند. برای پرهیز از کاهش محصول هر کارگر کشاورزی، کشورهایی که با کمپایی زمین مواجه هستند به فنون جدید کشاورزی، کود، بذر اصلاح شده و روشهای زراعی گوناگون، همراه با سیاستهای قیمت‌گذاری مشوق تولید نیاز خواهند داشت. طبق محاسبه‌های سازمان کشاورزی و خوار و بار (FAO) هفت کشور جنوب صحرای آفریقا (بروندی، کنیا، لسوتو، موریتانی، نیجر، رواندا و سومالی) حتی اگر فنون کشاورزیشان به سطح مزارع جدید تجاری در آسیا و آمریکای لاتین ارتقاء یابد، تا سال ۲۰۰۰ (که انتظار می‌رود جمعیت آنها در مجموع به حدود هشتاد میلیون نفر افزایش یابد) به خودبسندگی غذایی نخواهند رسید. □

## این منم: تمامی آفریقا

از: نوئمیا دوسوزا - شاعر موزامبیک

ما اگر می‌خواهی بشناسی

با دیدگان تیزبین

این قطعه چوب سیاه را

که برادری ناشناس با دستان معجزه‌گر

در دور دستهای شمال

بریده است و تراشیده

نظاره کن!

این منم

چشمخانه نومید از آرزو تهی

دهانی شگافته از زخمی هولناک

دستانی بزرگ و گسترده

که به نفرین و تهدید بالا رفته،

بدنی پوشیده از زخمهای پیدا و ناپیدا

یاد آور ضربهای مهلک شلاق بردگی،

تنی شکنجه دیده و شکوهمند

مغرور و اسرار آمیز

در ناله‌های چاو و شان سیاه

در اندوهی غریب

که شبانگهان در ترانه‌های سیاه جریان می‌یابد

ما خواهی یافت

منی که هیچ نیستم!

جز گالبدی استخوانی

فریادی که در گلو خفه شد:

این منم

تمامی آفریقا!